

جایگاه میر سید علی همدانی در کشمیر

نسرین توگلی*

مقدمه

نوشته حاضر تلاشی است برای معرفی میر سید علی همدانی که از عرفای بزرگ قرن هشتم هجری است و در مشرق زمین شهرت زیادی دارد. داشتن القابی چون شاه همدان، علی ثانی، امیرکبیر دلالت بر بزرگی مقام و منزلت او دارد. با وجود این شخصیت میر سید علی همدانی آن طور که شایسته مقام اوست در جوامع اسلامی شناخته نیست و مورد توجه واقع نشده است.

سید علی همدانی در دوشنبه دوازده رجب ۷۱۴ ق (۱۳۱۴ م) در همدان به دنیا آمد. پدر وی امیر شهاب‌الدین حسن بن محمد همدانی از بزرگان این سامان محسوب بود. خاندانش از سادات حسینی بودند^۱. تولد وی در زمان سلطنت محمد خدابنده اولجایتو هشتمین پادشاه از سلاطین مغولی ایلخانی و همزمان با حکومت جمال‌الدین آق قوش افرم، در همدان روی داده است.

دایی او بیش از هرکس دیگر، در امر تعلیم و تربیت وی مؤثر بوده است. میر سید علی در این زمینه می‌گوید: مرا دایی بود ملقب به سید علاء‌الدین و او از اولیاءالله بود و به واسطه تربیت او در کوچکی حافظ قرآن شدم. وی تحصیلات مقدّمانی را تحت راهنمایی دایی خود دنبال نمود. استادان دیگرش عبارتند از: شیخ محمود مزدقانی، شیخ نقی‌الدین علی دوستی سمنانی، شیخ نجم‌الدین محمد اسفرائینی، شیخ علاء‌الدوله

* دانشگاه پیام نور، تهران - دانش‌آموخته دوره دکتری مطالعات اسلامی دانشگاه همدان، دهلوی نو.

۱. ریاض، محمد، احوال و آثار و اشعار میر سید علی همدانی، ۱۹۹۱ م، ص ۷-۶.

سمنانی، قطب‌الدین یحیی نیشابوری، شیخ‌الاسلام شرف‌الدین درگزینی، نظام‌الدین یحیی غوری خراسانی، شیخ رکن‌الدین سعید حبشی.

سید علی همدانی نزد این بزرگان علم و معرفت و حدیث، حکمت و عرفان را آموخت و در تزکیه، تعالی معنوی و سلوک ملکوتی از آنان تأثیر پذیرفت.^۱ سید علی همدانی، از همدان زاد و بوم خود به‌همراهی هفتصد تن از سادات برای ترویج دین و معارف اسلامی و هنرهای زیبا و فنون ظریف ایرانی به کشمیر وارد شد.

وی در سال ۷۸۶ ق از دنیا رفت. بنای نخستین آرامگاه سید علی همدانی هم‌اکنون در شهر کولاب تاجیکستان واقع شده است.^۲ بعد از درگذشت شاه همدان سید میر محمد همدانی (۸۵۴ ق) پسر سید علی همدانی ترویج اسلام را در کشمیر دنبال کرد. او به‌سال ۷۹۸ ق در عهد سلطان سکندر به کشمیر آمد. سید میر محمد نیز مانند پدر بزرگوارش تقریباً سیصد تن از علما و صوفیان ایران را همراه آورده و آنان برای همیشه در ایالت کشمیر مقیم گشتند. او تا سال ۸۱۱ ق در کشمیر سکونت داشته و قریب چهارده سال مشغول هدایت و راهنمایی اهل این سامان بوده است.

مروجین اسلام در کشمیر

در اواسط قرن سوم میلادی دین بودائی وارد ولایت کشمیر شد و این سرزمین بزرگترین مرکز دین مزبور در شبه‌قاره گردید. آیین بودا از راه کشمیر به آسیای مرکزی و چین سرایت و نفوذ کرد. در این دوره از تاریخ صدها عالم و مرتاض بودائی از گوشه و کنار پاکستان و هند در کشمیر تجمع می‌کردند و در جنگل‌ها به عبادت و ریاضت می‌پرداختند. در دوره پیش از ورود اسلام به کشمیر، مذهب شیوا بیشتر از مذاهب دیگر در آن دیار رونق و رواج داشت.^۳ سید شرف‌الدین عبدالرحمن بلبل شاه

۱. ریاض، محمد، احوال و آثار و اشعار میر سید علی همدانی، ۱۹۹۱ م، ص ۷-۶.

۲. سید عباس اطهر رضوی، شیعه در هند، ترجمه مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه، ۱۳۷۷ ه.ش، ج اول، ص ۲۶۴.

۳. راج‌ترنگینی، ترجمه ملّا شاه محمد شاه‌آبادی، مقدمه و مصحح صابر آفاقی، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۵۳ ه.ش، ص ۵، مقدمه مصحح.

ترکستانی اولین کسی است که به منظور تبلیغ و ترویج اسلام با جمعی از مریدانش در سال ۷۲۵ ق وارد کشمیر شد. رنچنا که راجای کشمیر بوده و دین بودایی داشت، تحت

تأثیر اعمال و اخلاق بلبل شاه به دین اسلام مشرف و به صدرالدین ملقب گردید. وی اولین پادشاه مسلمان محلی کشمیر است. ده هزار تن از سربازان وی نیز به پیروی از سلطان مسلمان شدند. مؤرخان می‌نویسند که این پیشامد در سال ۷۲۶ ق به وقوع پیوست. گفتنی است که اسلام در کشمیر از همان روز اوّل به زبان فارسی تبلیغ شد و هم اسلام و هم

زبان فارسی وارد خطّه کشمیر شدند. تقریباً ۲۳ سال بعد شخصی به نام شاه میر که بنیانگذار سلسله شاهمیری در کشمیر است در ۷۴۳ ق قدرت و اقتدار را به دست گرفت. سلاطین شاهمیری در توسعه اسلام و بسط و گسترش زبان و تمدن فارسی در کشمیر سهم بزرگی داشتند. شاهمیری‌ها مجموعاً ۱۱۶ سال در کشمیر حکومت کردند. شخصی به نام شاهمیر در سال ۱۳۴۶ م دولت مستقل کشمیر را تأسیس نمود و ملقب به سلطان شمس‌الدین گردید. پادشاهان کشمیر، علما، فضلا و شعرا و اهل کمال را حمایت و تشویق نمودند و بر اثر این توجه، در زمینه علوم مختلف آثار گرانقدری به وجود آمد. سلطان زین‌العابدین به زبان فارسی، کشمیری و هندی تسلط داشت.^۱ دوره سلطان زین‌العابدین شاه معروف به شاه کبیر (۸۳۳-۷۷۵ ق) دوره زرین تاریخ کشمیر به حساب می‌آید. سلطان مزبور شیدای علوم و هنر و پشتیبان قوی برای علما و شعرا و نویسندگان بوده است. بعد از خانواده شاهمیر، خاندان چک‌ها (۹۹۴-۹۶۱ ق) ۳۲ سال حکومت کردند. این دوره از این لحاظ قابل توجه و مهم است که در آن دوره مذهب تشیع مذهب رسمی کشمیر گردید و زبان فارسی بیشتر رسوخ پیدا کرد و حاکمان کشمیر در این زمان، لقب شاه را بر خود گذاشتند. مذهب‌های دیگر؛ مثل بودایی، برهمنی، و هندویی از رونق افتادند و اغلب ساکنین آن دیار به دین اسلام گرویدند.

کشمیری‌ها از آغاز کودکی، گلستان و بوستان سعدی، دیوان مولانا و حافظ را در مساجد و یا توسط پدران خود فرامی‌گیرند.

۱. نقوی، سید علی رضا، تذکره‌نویسی در هند و پاکستان، ۱۳۴۳ ه.ش، ص ۱۲۹.

ترویج اسلام توسط ایرانیان در کشمیر

مسلمانان ایرانی از اوایل سده ششم هجری قمری برای تبلیغات دینی به کشمیر وارد شدند. مبلغان ایرانی چون به زبان کشمیری آشنایی نداشتند، نمی‌توانستند به راحتی مردم را به اسلام دعوت کنند، و به تبلیغ اسلام پردازند. اولین کاری که آنان انجام دادند این بود که در سراسر کشمیر مدرسه‌های علمی و دینی دایر کردند. یکی از مدرسه‌های مهم آن زمان که در شهر سرینگر مرکز ایالت کشمیر تأسیس شد «عروة الوثقی» بود. این مدرسه را، سید جمال‌الدین محدث تأسیس نمود. وی همراه سید علی همدانی وارد کشمیر شد. سید جمال‌الدین دانشمند بزرگ و عالم سرشناس زمان خود بود و در علوم فقه و تفسیر نبوغ داشت. اکثر عالمان و نویسندگان بعدی فارغ‌التحصیل همین حوزه علمی بودند. این مدرسه مدت‌ها به عنوان یکی از مراکز علمی خدمت شایسته انجام داده است.

بر طبق نظر مؤلف واقعات کشمیر، سید علی همدانی با هفت تن (هفتصد تن) از سادات ایرانی به کشمیر وارد شد، و اکثر یارانش عالم و فاضل بودند و در علوم متداول به ویژه در عربی و فارسی مهارت کامل داشتند. گذشته از ترویج فرهنگ و معارف اسلامی، مبلغان ایرانی تلاش نمودند تا زبان فارسی و عربی را به مردم آموزش بدهند. پادشاه محلی کشمیر که سلطان قطب‌الدین (۷۸۰-۷۹۱ ق) نام داشت و حامی و طرفدار ادبا، شعرا و فضلا بود، نیز در وسط شهر سرینگر یک مدرسه به نام «دارالعلوم» تأسیس نمود. این مدرسه بعداً به عنوان یکی از مراکز علمی و دینی شهرت یافت. بعد از مراجعت سید علی همدانی به ایران، اکثر یاران او در کشمیر ماندند و به تربیت مردم پرداختند.

در واقع ایرانیان، میراث و باورهای کهن خویش را به مرکز آسیا بردند، با مردم بومی درآمیختند و در کنار زبان فارسی بعدها عقاید اسلامی را نیز در سرزمین پهناور آسیای مرکزی رواج دادند.^۱ در نتیجه روابط صمیمانه مبلغان ایرانی با مردم کشمیر و آمیزش آنها با مردم این سرزمین، زبان و فرهنگ کشمیر تحت تأثیر فرهنگ و زبان ایرانی قرار گرفت.

۱. وهرام، غلام رضا، تاریخ آسیای مرکزی در دوران اسلامی، ۱۳۷۲ ه.ش، پیشگفتار.

ترویج اسلام در کشمیر توسط سید علی همدانی

سید علی همدانی با همت خود و تلاش شاگردانش، کشمیر را به یکی از پایگاه‌های مستحکم اسلام تبدیل ساخت. اما عده‌ای هم معتقد هستند که سید علی همدانی و یارانش به صورت دسته جمعی و یا به صورت گروه‌های بزرگ چند نفری بر اثر فشارهای سیاسی روز از همدان و نقاط دیگر ایران به کشمیر پناهنده شدند و زبان فارسی و دین اسلام را در آن سامان رواج دادند.^۱ در حقیقت سید علی همدانی ذخیره عظیمی از فنون، علوم، معارف و صنایع را از موطن خود، همدان به کشمیر انتقال داد و آن سامان را «ایران صغیر» ساخت. امروزه گسترش بسیاری از هنرهای موجود در منطقه کشمیر را با نام سید علی همدانی پیوند می‌دهند؛ هنرهایی مانند شالبافی، بافندگی، سفالگری و خوشنویسی از بازمانده‌های میراث «شاه همدان» و هفتصد همراه هنرمند او به شمار می‌آید. زبان و به خصوص شعر فارسی سال‌ها پس از اشاعه اسلام در کشمیر ریشه گرفت.

با اینکه دین اسلام در قرن اول هجری به کشمیر وارد شده است، تابش این دین تا سال ۷۷۴ ق در این سرزمین به تأخیر افتاد و از این سال سید علی همدانی با فعالیت‌های تبلیغی خود، اسلام را در این ناحیه، دین اکثریت مردم نمود. برحسب بررسی منابع گوناگون، وی در این سال چند ماهی در آن دیار اقامت گزید. سفر حج رفت و در سال ۷۸۱ ق برای بار دوم به کشمیر آمد و در این منطقه مشغول فعالیت تبلیغی بود. در نوبت سوم از اوایل سال ۷۸۵ تا اواخر ۷۸۶ ق در این قلمرو ساکن گردید.^۲ جمعی از همراهان سید در این سرزمین سکونت گزیدند که امروزه غالب سادات از بازماندگان و یاران سید علی همدانی هستند.

استاد مطهری می‌نویسد: یکی از کسانی که در کشمیر به اسلام خدمت کرده است، میر سید علی همدانی بوده. این مرد بزرگ که از مفاخر اسلام است هزارها شاگرد در

۱. گ.ل. تیکو، «گرداری» پارسی‌سرایان کشمیر، ۱۳۴۲ ه.ش، مقدمه.

۲. صدیق نیازمند، محمد، سرچشمه عرفان، ۱۹۹۶ م، ص ۳۳-۳۲.

کشمیر تربیت کرده که هر کدام برای خود استاد شدند. سید علی همدانی هنوز در کشمیر محترم است!^۱

سلطان زین‌العابدین اولین پادشاه کشمیر است که منصب ملک‌الشعرایی را در دربار خود دایر نمود و ملّا احمد کشمیری، اولین کسی است که به این منصب سرافراز گردید.

اولین مدرسه علوم دینی در کشمیر به دست این مبلغ توانمند ساخته شد. همچنین سلطان شهاب‌الدین به توصیه میر سید علی همدانی «مدرسه القرآن» را احداث نمود که مدرسه‌ای وسیع و مهم بود و از تمام نواحی کشمیر طالبان علم و معرفت به این مدرسه می‌آمدند. سید علی همدانی در کشمیر کتابخانه‌ای تأسیس نمود و در

این مکان بسیاری از منابع علوم و معارف اسلامی را به زبانهای عربی و فارسی فراهم ساخت. این کتابخانه اهمیت شایان توجهی به دست آورد و شخصیت‌های علمی و فرمانروایان از آن بازدید می‌کردند.^۲

در دوران اقامتش در کشمیر که مجموعاً پنج سال طول کشید، ۳۷۰۰۰ نفر به دست او مسلمان شدند و به خاطر نفوذ معنوی و اجتماعی فوق‌العاده‌اش اسلام در این سرزمین گسترش یافت.

علّامه اقبال لاهوری، شاعر پارسی‌گوی شبه قاره، در جاویدنامه خود قطعه‌ای دارد تحت عنوان «زیارت امیرکبیر حضرت سید علی همدانی» که در آن نام سید علی همدانی را به عنوان کسی که از کشمیر هند «ایرانی صغیر» ساخت، یاد کرده است:

سیدالسادات، سالار عجم	دست او معمار تقدیر امم
تا غزالی درس لله گرفت	ذکر و فکر از دودمان او گرفت
مرشد آن کشور مینو نظیر	میر و درویش و سلاطین را مشیر
خطّه را آن شاه دریا آستین	داد علم و صنعت و تهذیب و دین
آفرید آن مرد، ایران صغیر	با هنرهای غریب و دلپذیر
یک نگاه او گشاید صد گره	خیز و تیرش را به دل راهی بده

۱. مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۳۹۳.

۲. درخشان، مهدی، بزرگان و سخن‌سرایان همدان، ناشر اطلاعات، ۱۳۴۱ ه.ش، جلد اول، ص ۸۶.

ترویج اسلام و ادب فارسی توسط یاران سید علی همدانی

تسخیر هند در روند اسلامی شدن آن مناطق تأثیر بسزایی گذاشت، زیرا از طریق فتح هند و قسمت بزرگی از پنجاب بود که اسلام به صورت قطعی در هندوستان استقرار یافت.^۱ در سال ۹۷۶ م و در دوره سبکتگین پدر محمود غزنوی، زمینه ابتدایی پی‌ریزی زبان فارسی در هند مساعد گردید، اما در امتداد قرون دهم و یازدهم میلادی، در نتیجه حملات محمود غزنوی بر هند در زمان کمی، بخش عظیم هند تسخیر شد، و در همین زمان شرایط بسیار مساعد برای توسعه زبان فارسی و تمدن ایرانی در هند فراهم گردید، و ایرانیان به مسایل فرهنگی هند علاقه پیدا کردند.^۲ میر سید علی همدانی و پیروانش دسته جمعی و یا به صورت گروه‌های بزرگ از همدان و نقاط دیگر ایران به کشمیر وارد شدند، و زبان فارسی و دین اسلام را در آن سامان رواج دادند. و در واقع تغییراتی در آداب و رسوم آن خطه ایجاد نمودند. مثلاً لباس پوشیدن آنها که با رسم قدیم هندوان مطابقت داشت به سبک اسلامی ایرانی درآمد. بسیاری از صنعت‌گران، پیشه‌وران، معماران و شاعران که همراه او از ایران مهاجرت نموده وارد کشمیر شدند، یک جامعه سازنده فعال اسلامی را تشکیل دادند.

یاران سید علی نیز در ترویج فرهنگ و ادب فارسی نقش فعال داشته‌اند؛ زیرا آنان یک محیط بسیار سازگار و علم‌پروری را در کشمیر برای گسترش فرهنگ و معارف اسلامی و زبان فارسی فراهم ساختند. کوشش‌های این مبلغان ایرانی، تا آن زمان که مردم محلی در فراگرفتن زبان فارسی اشتغال نمی‌داشتند، بی‌حاصل و بی‌ثمر می‌ماند. آنان برای گسترش دین و زبان فارسی برپایه اصولی، برنامه‌ریزی نمودند. در نتیجه آن عموم مردم برای فراگرفتن این زبان میل و رغبت نشان دادند و در کمتر زمانی بود که زبان فارسی ریشه‌های خود را در آن سرزمین به استواری دوانیده و موجب شد که ریشه‌های زبان سانسکریت را از دربار سلاطین کشمیر به‌درآورد.

۱. ابن اثیر، علی بن محمد، *الکامل فی التاریخ*، به کوشش تورنبرگ، لیدن، ۱۸۵۰ م، ج ۹، ص ۶۴-۵۹.
 ۲. زمانی، آصفه، *محققین و منتقدین معروف زبان و ادبیات فارسی هند در قرن بیستم*، ۱۹۹۳ م، ص ۱۵.

سید علی همدانی در ایران، آسیای مرکزی و جنوبی، شاگردانی متعدّد داشته است. از معروف‌ترین و فاضل‌ترین آنان نورالدین جعفر بدخشی (متوفی: ۷۹۷ ق) است که وقتی سید در ختلان (آسیای میانه) به سرمی‌برد، به خدمتش رسید و از محضر علمی و معنوی بهره برد. او مشاهدات خویش را از اخلاق و رفتار استادش در کتابی تحت عنوان «خلاصة المناقب» گرد آورد.

یکی دیگر از یاران سید، خواجه اسحاق ختلانی (متوفی: ۸۲۷ ق) بود. او علاوه بر آنکه حوزه درسی سید علی همدانی را مغتنم می‌شمرد، به افتخار دامادی وی نایل گردید و در بسیاری از سفرهای تبلیغی و زیارتی ملازم استادش بود. خواجه اسحاق در نیم قرن فعالیت ارشادی و آموزشی خود جمع‌کنیری از افراد مشتاق معارف اسلامی را تربیت کرده است.^۱

سلطان زین‌العابدین اولین پادشاه کشمیر است که منصب ملک‌الشعرایی را در دربار خود دایر نمود و ملّا احمد کشمیری، اولین کسی است که به این منصب سرافراز گردید. این نکته دارای اهمیت فراوان است که در زمان همان سلطان بود که زبان فارسی به عنوان زبان رسمی شناخته شد و این زبان به جای زبان سانسکریت زبان درباری شد. سلطان زین‌العابدین بنیانگذار «سازمان دارالترجمه» نیز بود. کتب مهمّ مذهبی هندوان مانند مهاباراتا، رامایانا به حکم همین پادشاه اولین بار از سانسکریت به زبان فارسی ترجمه شد. کتاب معروف سانسکریت کتهاسرت ساگر به دستور همان سلطان به دست ملّا احمد کشمیری به فارسی برگردانده شد و اسم آن کتاب را بحرالاسمار گذاشتند. آموزش و پرورش و فراگرفتن زبان فارسی در کشمیر، رایگان گردید. برای فراگرفتن زبان فارسی، به اصطلاح امروز «بورس تحصیلی» به دانشجویان پرداخت گردید. دانشجویان برای دانش‌افزایی گروه گروه رو به مدرسه‌ها آوردند. بدین منوال، زبان فارسی در سرزمین کشمیر به دست مبلّغان ایرانی رواج یافت.

۱. اذکابی، پرویز، مروج اسلام در ایران صغیر، احوال و آثار و اشعار میر سید علی همدانی، به انضمام رساله همدانیه، دانشگاه بوعلی سینا، ۱۳۷۰ ه.ش، ص ۶۴-۶۳.

در طول مدّت شش قرن زبان فارسی در کشمیر به‌عنوان زبان رسمی رایج بوده است. در این مدّت دراز واژه‌های گوناگون و ترکیب‌های متنوع فارسی به‌صورت گسترده‌ای در زبان کشمیری وارد شده است. اگر به‌دقت، زبان کشمیری مورد بررسی قرارگیرد، دیده خواهد شد که تقریباً سی در صد از کلمات و امثال و حکم یا ترکیبات آن، از فارسی وارد این زبان شده است. این واژه‌ها یا امثال و حکم را مردم عامی و بی‌سواد نیز در سخنان خود به‌کار می‌برند.

کشمیری‌ها از آغاز کودکی، گلستان و بوستان سعدی، دیوان مولانا و حافظ را در مساجد و یا توسط پدران خود فرامی‌گیرند و این خود باعث حضور فعال و گسترده فرهنگی، در این خطّه می‌شود.

کشمیر در ادبیات فارسی نماد زیبایی است. شاعران فارسی‌گوی گاهی سیه‌چشمان کشمیری را مورد توصیف قرار داده‌اند و گاهی بت کشمیری را ستوده‌اند. حتی شاعرانی هم هستند که آرزو داشته‌اند که به‌کشمیر بروند و از هوای خوب و مناظر طبیعی آن، بهره ببرند. شعرا و ادیبانی دیگر هم از کشمیر به‌عنوان لعبتی طنّاز، نام‌برده‌اند. حافظ گفته است:

به‌شعر حافظ شیراز می‌کوبند و می‌رقصند سیه‌چشمان کشمیری و ترکان سمرقند
شاعری دیگر گفته است:

پیام دادم نزدیک آن بت کشمیر که زیر حلقه زلفت، دلم چراست اسیر؟
صائب تبریزی می‌گوید:

می‌کنم از سر برون صائب، هوای خلد را بخت اگر از ساکنان شهر کشمیرم کند
عرفی شیرازی می‌گوید:

هر سوخته جانی که به‌کشمیر درآید گر مرغ کباب است که با بال و پراید
ظفر خان احسن تربتی (تربت حیدریّه) می‌گوید:

الهی تا بود کشمیر آباد ز گلزار خراسانم، مده ییاد
به‌هرکس هرچه خواهی، بی‌سخن ده مرا کشمیر و، بلبل را چمن ده
و همچنین گفته شده است:

همشیره جادوان بابل همسایه لبستان کشمیر

در دوره اسلامی هند، مراکز علمی، ادبی و تحقیقاتی، فراوانی وجود داشته است، بهترین نشانه آن، وجود کتابخانه‌های متعددی است که از قدیمی‌ترین دوره حکومت اسلامی در هند پایه‌گذاری شده است و مرکز مطالعه و تحقیق برای دانشمندان و دانش‌پژوهان بوده است.

نتیجه

از آنچه گذشت، چنین به دست می‌آید که سید علی همدانی و یارانش مروج اسلام در کشمیر بوده‌اند. و علاوه بر آن زبان فارسی و صنعت و هنر را از سرزمین ایران برای مردم کشمیر به‌ارمغان آوردند. و همچنین عرفان و تصوفی که سید علی به آن اعتقاد داشت و عمل می‌کرد نیز توسط او در کشمیر رواج یافت. عرفانی که شریعت و دین هم همراه آن بود و در واقع زبان کشمیری در جریان شش قرن در سلسله تکامل خود، رو به تحولات و دگرگونی‌ها بوده و در این تحول، واژه‌های متعدد فارسی به کشمیری راه یافته است. می‌توان گفت در حقیقت این واژه‌ها مناسب زبان کشمیری بوده است. اما چیزی که اهل ایران به فرهنگ و تمدن و زبان کشمیری اهدا نمودند، بدون شک و تردید سرمایه‌ای بی‌بها است. اگر واژه‌های فارسی از زبان کشمیری استخراج شوند، زبان کشمیری بی‌جان و بی‌مایه خواهند بود. اگرچه این ناحیه دیرتر از دیگر مناطق شبه قاره با زبان فارسی آشنا شد و از مهد این زبان یعنی ایران نیز دورتر بود، نویسندگان و شاعران پارسی زبان که از میان ایشان برخاسته‌اند بیشتر هستند.

فهرست منابع

۱. ابن اثیر، علی بن محمد، *الکامل فی التاریخ*، به‌کوشش تورنبرگ، لیدن، ۱۸۵۰ م.
۲. اذکایی، پرویز، *مروج اسلام در ایران صغیر*، احوال و آثار میر سید علی همدانی، به‌انضمام رساله همدانیه، ص ۶۴-۶۳، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ۱۳۷۰ ش.
۳. اطهر رضوی، سید عباس، شیعه در هند، ترجمه مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه، ۱۳۷۷ ش.
۴. اعظم دیده مری، محمد، *واقعات کشمیر (تاریخ کشمیر اعظمی)*، ترجمه و حواشی: خواجه حمید یزدانی، کشمیر بُک دیو، سرینگر، کشمیر، ۲۰۰۳ م.

۵. اعظم، محمد، تاریخ کشمیر، ترجمه منشی اشرف علی، خدابخش اوریتل پبلک لایبریری پتنه، ۱۸۴۶ م.
۶. بدخشی، نورالدین جعفر، خلاصه المناقب (در مناقب میر سید علی همدانی)، تصحیح: سیده اشرف ظفر، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، ۱۳۷۴ ش/۱۹۹۵ م.
۷. ریاض، محمد، احوال و آثار و اشعار میر سید علی همدانی، با شش رساله از وی، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، ۱۹۹۱ م/۱۳۷۰ ش/۱۴۱۱ ق.
۸. زمانی، آصفه، محققین و منتقدین معروف زبان و ادبیات فارسی هند در قرن بیستم (همراه به تاریخ مختصر نقد و تحقیق در ادبیات فارسی)، مرکز تحقیقات فارسی، رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دهلی‌نو، ۱۹۹۳ م.
۹. صدیق نیازمند، محمد، سرچشمه عرفان، انتشارات: اویس وقاص پبلشنگ هاؤس، سرینگر، کشمیر، ۱۹۹۶ م.
۱۰. ظفر، سیده اشرف، سید میر علی همدانی، گلشن یبلیشرز، سرینگر، کشمیر، ۱۹۹۱ م.
۱۱. گ.ل. تیکو (گرداری)، پارسی‌سرایان کشمیر، انتشارات انجمن ایران و هند، تهران، ۱۳۴۲ ش.
۱۲. مطهری مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۲ ش.
۱۳. مهدی درخشان، بزرگان و سخن‌سرایان همدان، ناشر اطلاعات، ۱۳۴۱ ش.
۱۴. نقوی، سید علی رضا، تذکره‌نویسی فارسی در هند و پاکستان، مؤسسه مطبوعات علمی، تهران، ۱۳۴۳ ش.
۱۵. وهرام، غلام رضا، تاریخ آسیای مرکزی در دوران اسلامی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۲ ش.
۱۶. راج‌ترنگینی (تاریخ کشمیر)، سده دهم هجری، ترجمه فارسی ملّا شاه محمد شاه‌آبادی، مقدمه و تصحیح: صابر آفاقی، انتشارات: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، راولپندی، پاکستان، ۱۳۹۴ ق، ۱۳۵۳ ش، ۱۹۷۴ م.